



ایران در دوران معاصر

مقاله ای از نشریه (اقبال) در وصف وطن و وظایف وطن خواهان- دارالسلطنه (تبریز)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۱ فروردین ۱۳۹۵ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

مقاله ای خواندنی از نشریه «اقبال» در وصف وطن و وظایف وطن خواهان که به تاریخ ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۶ هجری قمری برابر با ۴ آبان ماه ۱۲۷۷ شمسی در دارالسلطنه «تبریز» به چاپ رسید و حاوی نکات جالبی است. آفریننده را پرستنده و کردگاری را بنده ایم (جلّت عظمه و تعالی شأنه) که به روز آفرینش چند نعمتی را مخصوص ما ایرانیان نموده، و با چند چیز ما را بر دیگران ترجیح داده و منت نهاده که بدان سبب بر دیگران افتخار بنماییم و سبقت گیریم و پیشی جوییم و بدان صفات مخصوص باید بدانیم که کیستیم و چیستیم و چه کاره ایم، شرف م

پارسیان دژ / ایران در دوران معاصر

مقاله ای خواندنی از نشریه «اقبال» در وصف وطن و وظایف وطن خواهان که به تاریخ ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۶ هجری قمری برابر با ۴ آبان ماه ۱۲۷۷ شمسی در دارالسلطنه «تبریز» به چاپ رسید و حاوی نکات جالبی است.

آفریننده را پرستنده و کردگاری را بنده ایم (جلّت عظمه و تعالی شأنه) که به روز آفرینش چند نعمتی را مخصوص ما ایرانیان نموده، و با چند چیز ما را بر دیگران ترجیح داده و منت نهاده که بدان سبب بر دیگران افتخار بنماییم و سبقت گیریم و پیشی جوییم و بدان صفات مخصوص باید بدانیم که کیستیم و چیستیم و چه کاره ایم، شرف ما از کجاست و افتخار ما از چیست و تقدم ما بر کیست. در کتابی دیده ام که این کره ارض چندین بار گوی چوگان ما بوده و چه حکما نموده و چه فتوحات کرده ایم. چه بسته ایم و چه گشاده ایم. چه عوران را پوشانده ایم و چه افتادگان را دست گرفته ایم و چه گردن کشان را سخت گرفته ایم.

سپاس مر آن داوری را سزااست که قدمت از ماست و شرافت بر ماست و شاه ستایی مخصوص ماست. جم از ماست و جام از ماست و جهان به کام ماست.

از ماست که بر ماست که با این همه شرافت و با این همه فضل؛ نیک را از بد و خیر را از شر تمیز ندادیم و در ترقی خود صرف نظر نمودیم و از عزت خود چشم پوشیدیم.

نوشته نخواندیم، گفتند عمل نکردیم. افسانه پنداشتیم و باور ننمودیم.

امروز اگر چه عقب ماندیم ولی آموذگان دانند که جهان را بلندی و پستی است و جهانیان را وسعت و تنگدستی؛ هر شبی را روزی است و هر شامی را سحری، قومی از علم بهره ور و فرقه ای از جهل در خطر.

«نیک بختان را چهار چیز بس است: خدا و دین، شاه و وطن، هر که این چهار ندارد ...»

امروز که ما ایرانیان را این چهار است، ناچار است که باید سعی نماییم راه ها بگشاییم و به حال ابنای وطن رحمت آریم و در سایه سایه خدا که جهان با عدلش پاینده باد، گذشته را از سر گیریم و بر تلف شده نادم شویم و از کردار ناشایست به درگاه خدا رجوع نمائیم و با فطرت اصلی و جوهر جلی:

آتشی خوش بر فروزیم از کرم / تا نماند جرم ذلت، بیش و کم

شعله در بنگاه انسانی زنیم / خار را گلزار روحانی کنیم

احتیاج که جهانی از او در تنگ است، ننگش را از خود دور نمائیم و در حصن حصین علوم عجیبه و در قلاع اختراعات جدیده که جهانی از او برخوردار است متحصن شویم و ایمن باشیم.

نشریه اقبال، سال اول، «تبریز»، ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۶ هجری قمری

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «مقاله ای از نشریه (اقبال) در وصف وطن و وظایف وطن خواهان-دارالسلطنه (تبریز)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1822/pdf/مقاله-ای-از-نشریه-اقبال-در-وصف-وطن.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵